



انجمن علمی فقه‌بزرای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌بزرای تطبیقی

Volume 4, Issue 4, 2024

Supporting Animal Species in the Light of Quranic Teachings and Modern Critical Criminology

Hadi Keramati Moez*¹, Parisa Zand Rad Mojarrad²

1. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Toloue Mehr University, Qom, Iran. (Corresponding Author)

2. Master of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Toloue Mehr, University, Qom, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 39-52

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-3259-3587

TELL: +982533555610

Email: keramatihadi@gmail.com

Article history:

Received: 04 Jul 2024

Revised: 09 Sep 2024

Accepted: 12 Oct 2024

Published online: 21 Dec 2024

Keywords:

Animal Species,

Green Criminology,

Animal Species Criminology,

Wildlife Criminology,

Climate Change Criminology.

ABSTRACT

Protection of animal species is one of the important topics in the fields of religion and criminal sciences, which has received more attention in recent years. By examining Quranic concepts and modern perspectives of criminology, this research tries to use a comprehensive and interdisciplinary approach with descriptive and analytical research methods to examine the importance and necessity of protecting animal species. Qur'anic teachings point to the preservation of animal species and their survival, animal species as signs of God, a common destination for animal life, the equality of animals and humans, the prohibition of cruelty to animals and the prohibition of aimless and indiscriminate hunting of them and emphasize He values and respects all living beings and considers the preservation of biodiversity as one of the human duties. In addition to these teachings, modern critical criminology through the teachings of green criminology and green cultural criminology, criminology of animal species, criminology of wildlife, criminology of climate change and sociological damage (Zemology) with criticism and analysis of social structures and Economically, it challenges the destructive and cruel behavior of humans and governments towards The results of the research show that the alignment of religious teachings and the new findings of criminology can lead to the creation of an effective framework for the protection of animal species and their natural habitats and play a significant role in preserving biodiversity and raising public awareness about the importance of this issue.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Keramati Moez, H & Zand Rad Mojarrad, P (2024). "Supporting Animal Species in the Light of Quranic Teachings and Modern Critical Criminology". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 4(4): 39-52.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۳

حمایت از گونه‌های حیوانی در پرتو آموزه‌های قرآنی و جرم‌شناسی‌های انتقادی نوین

هادی کرامتی معز*^۱، پریسا زند راد مجرد^۲

۱. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه طلع مهر، قم، ایران. (نویسنده مسؤؤل)

۲. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه طلع مهر، قم، ایران.

چکیده

حمایت از گونه‌های حیوانی یکی از موضوعات مهم در حوزه‌های دینی و علوم جنایی است که در سال‌های اخیر توجه بیشتری به آن شده است. هدف این پژوهش بررسی حمایت از گونه‌های حیوانی از منظر آموزه‌های قرآنی و جرم‌شناسی‌های انتقادی نوین است. این مقاله توصیفی - تحلیلی است و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد که آموزه‌های قرآنی به حفظ گونه‌های حیوانی و بقای آنان، گونه‌های حیوانی به‌عنوان نشانه‌های خداوند، مقصدی مشترک برای زندگی حیوانات، همسان‌انگاری حیوان و انسان، نهی از ظلم و ستم به حیوانات و منع شکار بدون هدف و بی‌رویه آنان اشاره نموده و تأکید بر ارزش و احترام به تمامی موجودات زنده داشته و حفظ تنوع زیستی را از جمله وظایف انسان می‌داند. در کنار این آموزه‌ها، جرم‌شناسی‌های انتقادی نوین به‌وسیله آموزه‌های جرم‌شناسی سبز و جرم‌شناسی فرهنگی سبز، جرم‌شناسی گونه‌های جانوری، جرم‌شناسی حیات وحش، جرم‌شناسی تغییر اقلیم و آسیب اجتماعی‌شناسی (زمین‌پلوی) با نقد و تحلیل ساختارهای اجتماعی و اقتصادی، رفتارهای مخرب و بی‌رحمانه انسان‌ها و دولت‌ها نسبت به گونه‌های حیوانی را به چالش می‌کشد و به‌دنبال ارائه راهکارهایی برای پیشگیری از جرایم علیه حیوانات و حفاظت از آن‌ها است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هم‌سویی آموزه‌های دینی و یافته‌های نوین دانش جرم‌شناسی می‌تواند به ایجاد یک چهارچوب مؤثر برای حفاظت از گونه‌های حیوانی و زیستگاه‌های طبیعی آن‌ها منجر شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۹-۵۲

اطلاعات نویسنده مسؤؤل

کد ارکید: ۳۵۸۷-۳۲۵۹-۳-۰۰۰۳-۰۰۰۰

تلفن: ۹۸۲۵۳۳۵۵۵۶۱۰+

ایمیل: keramatihadi@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۴

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

گونه‌های حیوانی، جرم‌شناسی سبز، جرم‌شناسی گونه‌های جانوری، جرم‌شناسی حیات وحش، جرم‌شناسی تغییر اقلیم.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

نوآوری این مقاله بررسی حمایت از گونه‌های حیوانی در پرتو آموزه‌های قرآنی و جرم‌شناسی‌های انتقادی نوین است. فرضیه مقاله نیز عبارت است از این که «از منظر آموزه‌های قرآن، حیات گونه‌های حیوانی و تنوع زیستی بسیار مهم بوده و انسان‌ها موظف به حمایت از گونه‌های حیوانی و عدم ظلم به حیوانات است. این دیدگاه هم‌سو با جرم‌شناسی انتقادی است.» به‌منظور بررسی سؤال و فرضیه مورد اشاره، مقاله به بررسی ابعاد مختلف این موضوع می‌پردازد و تلاش می‌کند تا با تلفیق مبانی دینی و یافته‌های علمی، راهکارهایی عملی و مؤثر برای حمایت از گونه‌های حیوانی ارائه دهد. در این راستا، پژوهش حاضر به بررسی نقش و تأثیر آموزه‌های قرآنی در حمایت از حیوانات و همچنین نقد و تحلیل جرم‌شناسی‌های انتقادی نوین در این زمینه می‌پردازد.

۱- حمایت از گونه‌های حیوانی در آموزه‌های قرآنی

آموزه‌های اسلامی از ابتدا بر حقوق حیوانات تأکید شده است، مصون‌داشتن حیوان از آزار و اذیت در بهره‌برداری و واردنکردن صدمه و آسیب بر پیکر حیوان و حرمت‌گذاری حیوان و ...، از جمله حقوقی است که شرع مقدس با تعبیرهای گوناگون و در قالب احکام تکلیفی به آن‌ها سفارش کرده و حمایت از این حقوق را از مسلمانان خواسته است و رعایت از آن‌ها بر مالک حیوان و دیگران و در مواردی بر حاکم شرع نیز واجب است (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۷۱).

در آموزه‌های اسلامی و به‌ویژه در قرآن، حمایت و حفاظت از حیوانات به‌عنوان یکی از اصول اخلاقی و دینی مورد تأکید قرار گرفته است. قرآن کریم با توجه به اهمیت حیوانات به‌عنوان مخلوقات الهی، توجه به حقوق آن‌ها و رفتار عادلانه و مهربانانه با آن‌ها را ترویج می‌دهد. در ادامه، برخی از مفاهیم و آموزه‌های قرآنی مرتبط با حمایت از حیوانات تبیین خواهد شد.

۱-۱- حفظ گونه‌های حیوانی و بقای آنان

در قرآن کریم، آیه‌ای که به حفظ گونه‌های حیوانی و بقای آنان تأکید دارد، در داستان حضرت نوح (ع) آمده است. این آیه نشان‌دهنده اهمیت حفظ تنوع زیستی و گونه‌های مختلف حیوانی است. «... قُلْنَا اخْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا

از قرن سیزده تا هجده میلادی در اروپا، انسان‌ها دادگاه‌هایی برای محاکمه حیوانات برگزار می‌کرده‌اند، محاکمه حیوانات دقیقاً شبیه همان چیزی بوده که در دادگاه انسان‌ها نیز می‌گذشته و حیوان متهم با وکیل مدافعش در برابر قاضی، دادستان، اعضای هیأت منصفه و تماشاگران حاضر می‌شده است (کوپ فان، ۱۳۹۹: ۷)، ولی در دهه‌های اخیر، توجه به حقوق حیوانات و ضرورت حمایت از آن‌ها به یک مسأله مهم اجتماعی، حقوقی و جرم‌شناختی تبدیل شده است. زمانی که ما حیوانات را تنها به‌مثابه منابع و ابزاری جهت برآورده ساختن اهداف مختلف خود لحاظ کنیم، از در نظرگرفتن آن‌ها به‌خودی‌خود درمی‌مانیم و چنین است که «خشونت» هم چون نتیجه‌گریزناپذیر این دیدگاه سر بر می‌آورد. به تعبیر هایدگر این‌گونه است که ما به دام متافیزیک به‌معنای مطلق ساختن یک دیدگاه در مورد موجودات می‌افتیم (سینگر، ۱۴۰۲: ۱۲). ضرورت طرح حقوق حیوانات زمانی می‌شود که ما این نگاه شی‌وارانه را به دور افکنیم و حیوانات را به‌خودی‌خود و به‌مثابه موجوداتی صاحب درد لحاظ کنیم.

در بسیاری از جوامع، قوانین و مقرراتی به تصویب رسیده‌اند که با هدف حمایت از حیوانات و پیشگیری از بدرفتاری با آن‌ها، گام‌های مؤثری را برداشته‌اند. آموزه‌های اسلامی نیز با تأکید بر ارزش و کرامت حیوانات، اصول و احکامی را برای حفظ و حمایت از آن‌ها ارائه داده است. این اصول نه‌تنها در متون دینی اسلامی، بلکه در رفتار و سنت‌های پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) نیز به وضوح دیده می‌شود. از سوی دیگر، تئوری جرم‌شناسی‌های انتقادی نوین به‌دنبال بررسی و تحلیل عوامل بروز جرایم علیه حیوانات و ارائه راهکارهای مؤثر برای پیشگیری و مقابله با این جرایم هستند. این رویکردها با نقد ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، تلاش می‌کنند تا به فهمی جامع‌تر از بسترهای وقوع جرایم علیه حیوانات دست یابند و زمینه‌های مناسبی برای ارتقای حقوق حیوانات فراهم کنند. براساس آنچه گفته شد، هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال است که رویکرد آموزه‌های اسلامی در حمایت از حیوانات در پرتو جرم‌شناسی‌های انتقادی نوین چگونه قابل تحلیل است؟

فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ؛ و هر جنبنده‌ای در زمین و هر پرنده‌ای در هوا که به دو بال پرواز می‌کند همگی طایفه‌هایی مانند شما (نوع بشر) هستند. ما در کتاب (آفرینش، بیان) هیچ چیز را فرو گذار نکردیم، آنگاه همه به سوی پروردگار خود محشور می‌شوند» (انعام/۳۸).

«از آنجا که قرآن کریم حیوانات را امت دانسته است، باید بپذیریم از نظر قرآن میان حیوانات نوعی یگانگی و اتحاد در فهم هستی، واکنش نسبت به هستی آفرین، چگونگی زندگی و سرانجام و هدف از زندگی وجود داشته، همین امر باعث اطلاق امت بر آن‌ها شده است» (نظری توکلی، ۱۳۸۸: ۲۵-۲۶).

با این توضیحات معلوم می‌شود دین مبین اسلام و قرآن کریم برای گونه‌های حیوانی ماهیت و هویتی جدا و مستقل از انسان و در عین حال متحد و یکپارچه با کل هستی در نظر گرفته است و از آن جهت که «امت» قلمداد می‌شوند، آن‌ها را ذی‌حق و واجد صلاحیت می‌داند (ابطحی، ۱۴۰۰: ۵۲).

«زمانی می‌توان حیوانات را امت نامید که بتوان برای آن‌ها مقصدی مشترک در زندگی پیدا کرد، چه این مقصد را خود انتخاب کرده باشند (اختیاری) یا قوانین طبیعت بر آن‌ها تحمیل کرده باشد (اضطراری)، پس تنها نام خاص داشتن و براساس آن طبقه‌بندی شدن، آن گونه که برخی مدعی‌اند کافی برای امت‌بودن حیوانات نیست» (ابطحی، ۱۴۰۰: ۵۳). بنابراین امت تلقی شدن حیوانات در قرآن کریم نشان‌دهنده دیدگاه جامع و فراگیر قرآن در مورد موجودات زنده و جایگاه ویژه آن‌ها در نظام آفرینش است. این مفهوم می‌تواند به‌عنوان مبنای دینی و حقوقی برای تدوین قوانین و سیاست‌های حمایت از حیوانات در جوامع مورد استفاده قرار گیرد. با درک این آموزه‌ها، می‌توانیم به یک نگاه متعالی‌تر و احترام‌آمیزتر نسبت به حیوانات دست یابیم و درجهت حفظ و حمایت از آن‌ها گام برداریم.

۴-۱- همسان‌انگاری حیوان و انسان

در آموزه‌های قرآنی به نوعی به همسان‌انگاری حیوان و انسان اشاره دارد. از عبارت «أُمَّمٌ أَمْثَلُكُمْ» (انعام/۳۸) چنین

مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ...؛ به نوح گفتیم از هر جفتی از حیوانات (نر و ماده) یک زوج در آن کشتی حمل کن، همچنین خاندانت را مگر آن‌ها که قبلاً وعده هلاک آنان داده شده و همچنین مؤمنان را، اما جز عده کمی به او ایمان نیاوردند...» (هود/۴۰).

آیه مذکور در قرآن کریم، با تأکید بر حفظ گونه‌های حیوانی و بقای آنان، به اهمیت تنوع زیستی و مسؤولیت انسان در قبال حیوانات اشاره دارد. این دستور الهی به حضرت نوح (ع) می‌تواند به‌عنوان یک الگو و راهنما برای انسان‌ها در حفظ و مراقبت از محیط زیست و گونه‌های حیوانی مورد استفاده قرار گیرد. با درک و اجرای این آموزه‌ها، می‌توان به حفظ تنوع زیستی و پایداری اکوسیستم‌های طبیعی کمک کرد.

۱-۲- گونه‌های حیوانی به‌عنوان نشانه‌های خداوند

در قرآن کریم، حیوانات به‌عنوان نشانه‌ها و آیات الهی معرفی شده‌اند که نشان‌دهنده قدرت و حکمت خداوند هستند: «وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْتَفِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِمَّا خَلَاصًا سَائِعًا لِلشَّارِبِينَ؛ و البته برای شما ملاحظه حال چهارپایان (از شتر، گاو و گوسفند) همه عبرت و حکمت است که ما از آنچه در شکم آن است از میان (دو جسم ناپاک) سرگین و خون، شما را شیر پاک می‌نوشانیم که در طبع همه نوشندگان گواراست» (نحل/۶۶). حیوانات در قرآن گاهی به‌مثابه نماد قدرت و حکمت خداوند و گاهی به‌عنوان نماد بازگویی هشدارها و تحذیرهای خداوند طرح شده‌اند. داستان سگ اصحاب کهف، زنده‌شدن چهار پرنده قطعه‌شده توسط حضرت ابراهیم، خلق حیات با دمیدن حضرت عیسی در گل نزول «من» و «سلوی» برای بنی‌اسرائیل، از جمله داستان‌های قرآنی است که ویژگی مشترک در آن‌ها برجسته‌کردن حکمت و قدرت الهی است.

۱-۳- اطلاق واژه «امت» به حیوانات و مقصدی مشترک

برای زندگی

در قرآن کریم، حیوانات نیز همچون انسان‌ها به‌عنوان امت معرفی شده‌اند که دارای نوعی سازمان اجتماعی و حقوق مشخصی هستند. این تعبیر نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه ویژه‌ای است که قرآن برای حیوانات قائل است. «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ

در نظام حقوقی اسلام، از یک سو بهره‌برداری و استفاده بهینه از حیوانات مورد شناسایی قرار گرفته و از سویی دیگر به رعایت حقوق حیوانات و دفاع از گونه‌های مختلف آنان سفارش شده است، به نحوی که آزار، اذیت و کشتن حیوانات عملی مذموم و مرتکبین مستوجب عذاب الهی‌اند. در مکتب توحیدی اسلام، اخلاق زیست‌محیطی، اخلاقی و خدامحور است، زیرا برگرفته از جهان‌بینی توحیدی است که در آن، خدا، محور جهان، خالق و نگهدارنده آن می‌باشد. بنابراین مراقبت از محیط زیست، مراقبت از چیزهایی است که متعلق به خداوند است.

در استدلال به عدم جواز حیوان‌آزاری از منظر آموزه‌های قرآن می‌توان به آیه «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» و هرگز در زمین پس از آنکه کار آن (به امر حق و شرع رسول حق) نظم و صلاح یافت به فساد و تباهکاری برنخیزید و خدا را هم از راه ترس و هم از روی امید بخوانید که البته رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است» (اعراف/۵۶) اشاره داشت. در این آیه اشاره به حکمی شده است که در واقع یکی از شرایط تأثیر دعا است، می‌فرماید: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا؛ در روی زمین فساد مکنید بعد از آنکه اصلاح شده است.» بنابراین هیچ‌گاه دعای افراد مفسد و تبهکار به جایی نخواهد رسید.

«نقطه عطف این آیه در استدلال به آن عبارت «لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ» است که به معنای ظلم و فسادنکردن در زمین می‌باشد. آزار و اذیت علیه حیوانات و شکار بی‌رویه آن‌ها یا به‌طور کلی تخریب طبیعت و محیط زیست و مواردی از این قبیل همگی، از جمله نمونه‌های ظلم، ستم و فساد در زمین است که مورد نهی باری تعالی قرار گرفته است، فلذا نمی‌توان این آیه را منحصر به نهی از فساد در اعتقادات و اخلاقیات دانست» (محسنی دهکلانی و رضانزاد، ۱۳۹۷: ۱۱۸).

در قرآن کریم، آیات متعددی وجود دارد که به اهمیت حفاظت از حیوانات اشاره دارد، اگرچه در قرآن مستقیماً به منع شکار بدون هدف و بی‌رویه اشاره نشده است، اما از مفهوم کلی آیات می‌توان نتیجه گرفت که حفظ گونه‌های حیوانی و

برمی‌آید که حشر حیوانات نتیجه منطقی همسانی آن‌ها با انسان است. این آیه به‌طور خاص به این نکته تأکید می‌کند که تمامی موجودات زنده، از جمله حیوانات، به مانند انسان‌ها دارای جوامع و گروه‌هایی هستند و همه آن‌ها در نهایت به سوی خداوند بازگشت می‌کنند.

همسانی حیوان و انسان را باید از این زاویه دید که حیوانات نیز از همان شرایطی که باعث حشر انسان می‌شود، برخوردارند. «به همین دلیل نمی‌توان همسانی حیوان و انسان را تنها در ویژگی‌های زیستی مشترک آن‌ها خلاصه کرد، بلکه باید پا را فراتر گذاشت و مدعی شد همان ملاک حشر انسان، یعنی شعور و دریافت عقلانی باطنی که باعث پیدایش سعادت و شقاوت او شده است، در حیوانات نیز یافت می‌شود و زندگی آن‌ها به‌واسطه برخوردارگی از همین موهبت با مرگ پایان نمی‌پذیرند و با خروج از جهان ماده وارد اقلی غیرمادی به نام جهان آخر نمی‌شوند» (ابطحی، ۱۴۰۰: ۵۳).

این همان جنبه شگفتی‌ساز زندگی حیوانات است که قرآن کریم ما را به بررسی آن فراخوانده است: «وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبْتُئِنَ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ» در آفرینش شما و حیواناتی که در سراسر زمین پراکنده ساخته، نشانه‌هایی است برای آنان که یقین دارند» (جاثیه/۴). آموزه‌های قرآنی یادآوری می‌کند که تمامی موجودات زنده، اعم از انسان و حیوان، تحت نظارت و حفاظت خداوند هستند و باید با احترام و توجه به آن‌ها برخورد شود. این دیدگاه می‌تواند به ارتقای فهم ما از اهمیت حمایت از گونه‌های حقوق حیوانات کمک کند.

۱-۵- نهی از ظلم و ستم به حیوانات و منع شکار بدون هدف و بی‌رویه آنان

در آموزه‌های قرآنی، ظلم و ستم به حیوانات به‌شدت منع شده و مهربانی و رفتار عادلانه با آن‌ها توصیه شده است. «وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ» و چهارپایان را خلقت کرد که به (موی و پشم) آن‌ها گرم می‌شوید و از آن‌ها فواید بسیار دیگر برده و از (شیر و گوشت) آن‌ها غذای ماکول می‌سازید و هنگامی که آن‌ها را شبانگاه از چرا برمی‌گردانید یا صبحگاه به چرا بیرون می‌برید، زیب و افتخار شما باشند» (نحل/۶-۵).

مغایرت دارد. حفظ تعادل در طبیعت و جلوگیری از فساد و تخریب منابع طبیعی، از جمله حیوانات، از اصول مهمی است که در قرآن کریم به آن اشاره شده است. این اصول می‌توانند به‌عنوان مبنایی برای تنظیم قوانین و مقررات مربوط به حفاظت از حیوانات و پیشگیری از شکار بی‌رویه در جوامع مورد استفاده قرار گیرند.

۲- حمایت از گونه‌های حیوانی در پرتو جرم‌شناسی‌های انتقادی نوین

«جرم‌شناسی انتقادی»^۱ یکی از جریان‌های دوره پساعلمی جرم‌شناسی از نیمه دوم سده بیستم است که در مقابل جریان‌های موسوم به دوره علمی - و حتی ناعلمی جرم‌شناسی - سر بر آورده است (رایجیان اصلی، ۱۳۹۷: ۱۹۰).

جرم‌شناسی تولدیافته در پرتو پژوهش‌های مکتب اثباتی، جرم را محصول تعامل و ترکیب عوامل شخصی و محیطی در بستر موقعیت و فرصت مناسب برای مرتکب می‌داند و بدین ترتیب بر علت‌شناسی جنایی و سپس به راه‌کارهایی برای مقابله با علل بزهکاری تأکید می‌کند، با ورود رویکردهای انتقادی به دنیای علوم جنایی روش‌های مطالعاتی علت‌شناسی و اعتبار مطالعات مربوط به میزان بزهکاری که در نتایج پژوهش‌ها و آمار جنایی منعکس می‌شوند، زیر سؤال برده شد و نسبت به اعتبار علمی آمار رسمی جرایم که در این رویکردها بیشتر معرف میزان فعالیت و امکانات مادی انسانی نهادها و متولیان کنترل جرم است، تردید ایجاد گردید و مبانی نظری شناخت‌های حاصله درباره بزهکاری و نیز چگونگی فرآیند تولید علم و دانش جرم‌شناختی به نقد کشیده شد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۷۷۵). به عبارتی رویکرد دیگری از جرم‌شناسی متبلور شد که از گذر آن، جرم‌شناسی کلاسیک، یعنی جرم‌شناسی پایه‌گذاری شده توسط مکتب تحقیقی را مورد انتقاد قرار داده و روی دیگری از علت‌شناسی را مطرح نموده است.

جرم‌شناسی‌های انتقادی نوین که در راستای حمایت از گونه‌های حیوانی برآمدند، عبارتند از: ۱- جرم‌شناسی سبز^۲ و

جلوگیری از انقراض آن، از جمله اصول مهم اخلاقی و دینی محسوب می‌شود.

«وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يَجِبُ الْفُسَادَ؛ و چون از حضور تو دور شود کارش فتنه و فساد در زمین است و بکوشد تا حاصل خلق به باد فنا دهد و نسل (بشر) را قطع کند و خدا فساد را دوست ندارد» (بقره/۲۰۵). بی‌شک منظور از فسادی که مورد غضب و سخط خدای سبحان است، از نوع امور یاد شده است نه فساد تکوینی در برابر تکون تکوینی که لازم نظام هستی است. از ظاهر آیه مورد اشاره، برمی‌آید که می‌خواهد فساد در زمین را بیان کند و بفرماید فساد و افسادش به این است که حرث و نسل را نابود کند و اگر نابودکردن حرث و نسل را بیان فساد قرار داده، برای این است که قوام نوع انسانی در بقای حیاتش به غذا و تولید مثل است، اگر غذا نخورد می‌میرد و اگر تولید مثل نکند، نسلش قطع می‌شود و انسان در تأمین غذایی به حرث، یعنی زراعت نیازمند است، چون غذای او یا حیوانی است و یا نباتی و حیوان هم در زندگی و نموش به نبات نیازمند است، پس حرث که همان نبات باشد، اصل در زندگی بشر است و بدین جهت فساد در زمین را با اهلاك حرث و نسل بیان کرد، پس معنای این آیه این شد: «که او از راه نابودکردن حرث و نسل در زمین فساد می‌انگیزد و در نابودی انسان می‌کوشد.»

تعبیر «وَاللَّهُ لَا يَجِبُ الْفُسَادَ» به منزله تکذیب صریح ادعای دروغین اهل نفاق است که خدا را شاهد قرار می‌دهند.

«درخصوص شکار حیوانات جز برای استفاده از گوشت آن‌ها در مواردی که گوشتشان قابل مصرف بوده و انسان نیز بدان نیازمند است، جایز نیست؛ به همین دلیل قرآن کشتار بدون هدف حیوانات را که باعث نابودی و انقراض نسل آن‌ها می‌شود از نشانه‌های انسان‌های تبه‌کار (مفسد) می‌داند» (ابطحی، ۱۴۰۰: ۵۶-۵۵).

باتوجه به آیات فوق و مفاهیم کلی قرآن کریم، می‌توان نتیجه گرفت که ظلم و ستم به حیوانات و همچنین شکار بی‌رویه و بدون هدف حیوانات با اصول اخلاقی و دینی قرآن

¹- Critical Criminology

²- Green Criminology

با این وصف جرم‌شناسی سبز به مطالعه و تحلیل جرایم زیست‌محیطی و تأثیرات آن بر محیط زیست و موجودات زنده، از جمله حیوانات می‌پردازد. این شاخه از جرم‌شناسی به بررسی راهکارهای پیشگیری، شناسایی و مقابله با جرایمی که به حیات وحش و زیستگاه‌های طبیعی آسیب می‌رسانند، می‌پردازد. حمایت از حیوانات در چهارچوب جرم‌شناسی سبز، نیازمند رویکردهای جامع و چندوجهی است که شامل تدوین قوانین حفاظتی، نظارت مؤثر و همکاری‌های بین‌المللی می‌شود.

برخی از جرم‌شناسان و پژوهشگران علوم زیست‌محیطی به‌مانند «آوی بریسمن»^۹ و «نایجل ساوث»^{۱۰} با تلفیق دو گرایش «جرم‌شناسی فرهنگی» و «جرم‌شناسی سبز» یک رشته مطالعاتی جدید در جرم‌شناسی انتقادی معاصر تحت عنوان «جرم‌شناسی فرهنگی سبز» با هدف علت‌شناسی بحران محیط زیست و جرایم زیست‌محیطی و ارائه راهکارهای پیشگیرانه پیشنهاد نمودند (Brisman & South, 2013: 115-135)، این رویکرد به‌دنبال آن است تا نگرانی‌هایی را درباره اهمیت فرهنگی محیط‌زیست، جرایم زیست‌محیطی و آسیب‌های زیست‌محیطی وجود دارد را در آموزه‌های جرم‌شناسی سبز بگنجانند.

از منظر این گرایش از جرم‌شناسی، بسیاری از رفتارهای ناقض حقوق حیوانات به فرهنگ مربوط می‌شود که به‌عبارتی بازتابی از نگرش‌ها، باورها و الگوهای رفتاری غلط انسانی است، با این اوصاف از طریق الگوی جرم‌شناسی فرهنگی سبز با فرهنگ‌سازی استفاده صحیح از حیوانات و آگاهی‌سازی و اطلاع‌رسانی از مشکلات و مخاطرات انقراض حیوانات و کالایی‌سازی آنان به‌وسیله ظرفیت‌های رسانه‌ها، نهادینه کردن اصول و منش‌های اخلاق زیست‌محیطی، دوری از مصرف‌گرایی بیش از حد نیاز در جهت حفاظت از گونه‌های حیوانی و همچنین تقویت و توسعه نقش سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی می‌توان در جهت پیشگیری از نقض حقوق حیوانات و انقراض آنان بر مبنای یافته‌های جرم‌شناسی فرهنگی سبز اقدام نمود.

جرم‌شناسی فرهنگی سبز؛^۱ ۲- جرم‌شناسی گونه‌های جانوری؛^۲ ۳- جرم‌شناسی حیات وحش؛^۳ ۴- جرم‌شناسی تغییر اقلیم؛^۴ ۵- آسیب اجتماعی‌شناسی (زمیولوژی)^۵ که در این قسمت به تبیین و تحلیل این افق‌های جدید در جرم‌شناسی نسبت به گونه‌های حیوانی خواهیم پرداخت.

۱-۲- حمایت از حیوانات در جرم‌شناسی سبز و جرم‌شناسی فرهنگی سبز

«جرایم زیست‌محیطی»^۶ از یک‌سو، حق بر محیط زیست سالم را نقض می‌کنند و از سوی دیگر، به نظام اقتصادی جامعه صدمه می‌زنند؛ مرتکبان این جرایم نیز مانند بزهکاران یقه سفید، دارای انگیزه‌های مالی و موقعیت اقتصادی و سیاسی بالا هستند و اهداف سودجویانه خود را با ارتکاب جرایم زیست‌محیطی در بستر و چهارچوب شغل خود محقق می‌نمایند. از این‌رو این بزهکاران را، با توجه به بزه‌دیده اعمال مجرمانه آن‌ها، یعنی طبیعت در مفهوم موسع و با الهام از مفهوم بزهکاری یقه‌سفیدی، بزهکاران یقه‌سبز^۷، جرایم سبز و به تبع آن، رویکرد جرم‌شناسانه آن‌ها را جرم‌شناسی سبز و جرم‌شناسی جرایم یقه‌سبزها^۸ نامیدند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۱۴).

پروفیسور «راب وایت» در جدیدترین تعریف خود از جرم‌شناسی سبز، این نحله را چنین تعریف کرده‌اند: «جرم‌شناسی سبز به مطالعه ضررهای زیست‌محیطی (در این بستر، ضرر مفهومی عام‌تر از جرایم تعریف‌شده در سیاهه قوانین جنایی دارد)، کنشگران این حوزه (مطالعه ضابطان قضایی، نظام تعقیب کیفری و رویه‌های تعیین کیفر) و قوانین محیط زیست، سامانه‌های کیفری، مدنی و اداری که از یک‌سو، جهت حفظ و مدیریت محیط زیست و گونه‌های جانوری و گیاهی و از سوی دیگر، جهت مقابله با پیامدهای زیست‌محیطی حوزه‌های صنعتی تشکیل می‌شوند، می‌پردازد و به‌دنبال توسعه نظام جرم‌انگاری در این حوزه است» (وایت، ۱۳۹۵: ۲۵).

^۱- Green Cultural Criminology

^۲- Species Related Criminology

^۳- Wildlife Criminology

^۴- Climate Change Criminology

^۵- Zemiology

^۶- Environmental Crimes

^۷- Green Collar Criminals

^۸- Criminology of Green Collar Crimes

^۹- Avi Brisman

^{۱۰}- Nigel South

نهادهای غیردولتی و دولتی، انسان‌ها و اشخاص حقوقی تأکید می‌ورزد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۲۰).

گرایش جرم‌شناسی گونه‌های جانوری، بیانگر این است که جرم‌شناسی سبز به‌عنوان یک تلاش دانشگاهی کافی یا پایدار نبوده و به‌دنبال ایجاد یک پروژه تکمیلی است که جرم‌شناسی‌های انتقادی موجود را فراتر از انسان گسترش دهد. از این‌رو درجهت شعار سازمان ملل متحد «حیوانات برای انسان‌ها آفریده نشده‌اند، همان‌گونه که زنان برای مردان و سیاهان برای سفیدها» گام برداشته و درجهت توسعه این انگاره، جرم‌شناسی گونه‌های جانوری شکل گرفته است (کرامتی معز، ۱۴۰۳: ۱۰۲).

موضوع مهمی که مورد نقد جرم‌شناسی گونه‌های جانوری در قبال «جرم‌شناسی جریان اصلی»^۲ واقع شده، «گونه‌پرستی»^۳ «گونه‌پرستی»^۳ است، گونه‌پرستی به تعصبی اشاره دارد که در آن یک گونه بر گونه‌های دیگر برتر دانسته می‌شود و حقوق و رفاه گونه‌های غیرانسانی به میزان کمتری مورد توجه قرار می‌گیرد. این مفهوم به‌ویژه در بحث حقوق حیوانات و اخلاق زیست‌محیطی مورد استفاده قرار می‌گیرد و نقدهای مهمی را در زمینه حمایت از حیوانات به همراه داشته است.

گونه‌پرستی تنها تبعیضی ساده علیه حیوانات به‌خاطر حیوان بودن نیست، بلکه با ساختار ذهنی اجتماعی و اقتصادی انسان‌ها درهم آمیخته است و با اثر متقابل این اجزا بازتولید می‌شود، از این‌رو گونه‌پرستی وجهی ساختاری از نظم اقتصادی و سیاسی تلقی می‌شود. به‌عبارتی گونه‌پرستی مشابه با دیگر اشکال تبعیض نظیر نژادپرستی و جنسیت‌گرایی، حقوق حیوانات را نقض می‌کند. بسیاری از سیستم‌های قانونی و اجتماعی، انسان‌ها را به‌عنوان گونه‌ای برتر در نظر می‌گیرند و بدین ترتیب حقوق حیوانات نادیده گرفته می‌شود. جرم‌شناسی گونه‌های جانوری با نقد گونه‌پرستی، می‌تواند به برابری بیشتر میان انسان‌ها و حیوانات کمک کند و زمینه‌ای برای قوانین حمایتی جامع‌تری فراهم آورد.

۲-۲- حمایت از حیوانات در جرم‌شناسی گونه‌های جانوری
«جرم‌شناسی گونه‌های جانوری» به‌عنوان یکی از نظریه‌های انتقادی توسط «پیترز بایرن»^۱ مطرح شده است (Beirne, 1995: 5-31; Beirne, 2002: 117-148)، مطابق این دیدگاه، مطالعه آسیب‌های وارده بر حیوانات، مسأله اساسی که از منظر جرم‌شناسی نیازمند توجه است.

این رویکرد، از انسان‌محوری جرم‌شناسی، حقوق و عدالت انتقاد می‌کند و دایره آن‌ها را به حیوانات نیز گسترش داده و به مطالعه حقوق آن‌ها می‌پردازد. همچنین تجارت غیرقانونی حیوانات، شکار حیوانات و تجارت بین‌المللی گونه‌های در معرض خطر را مطالعه کرده و تأثیرات آن‌ها بر محیط زیست را بررسی می‌نماید (Wyatt, 2012: 144).

«مطالعه جرم‌شناسی گونه‌های جانوری، محیط زندگی، آسیب‌های وارد در نتیجه تخریب زیستگاه و مطالعه بزه‌دیدگی آن‌ها در نتیجه اعمال و اقدامات بشری است که از یک سو با جرم‌شناسی سبز در تعامل است (مطالعه جرایم علیه زیستگاه‌های حیوانات) و از سوی دیگر، به‌صورت یک رشته تخصصی در حوزه جرم‌شناسی مطرح می‌شود. به این ترتیب این نوع از جرم‌شناسی با وجود ارتباط و گاه هم‌پوشانی که در برخی از موارد با جرم‌شناسی سبز پیدا می‌کند، به‌طور تخصصی بر حقوق حیوانات تمرکز می‌کند، زیرا حقوق حیوانات اغلب حوزه‌ای مستقل از حقوق محیط زیست است، اگرچه می‌تواند ذیل جرم‌شناسی سبز قرار گیرد، اما در پاره‌ای موارد دارای مبانی متفاوتی است» (خانعلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۷).

به‌عبارتی جرم‌شناسی انتقادی گونه‌های جانوری به مطالعه مهم‌ترین نهادهای رسمی دولتی فعال در زمینه حقوق حیوانات (کشف، تعقیب و کیفر متهمان)، رفاه حیوانات و رویه‌های حاکم بر آن‌ها و علل بزه‌دیدگی این گروه در نتیجه اعمال بشری می‌پردازد. درواقع این جرم‌شناسی بر شناسایی و مطالعه حیوانات یا موجودات غیرانسانی به‌عنوان بزه‌دیدگان و قربانیان طیف وسیعی از اعمال، سیاست‌ها و جرایم ارتكابی

^۲- Mainstream Criminology

^۳- Speciesism

^۱- Piers Beirne

۳-۲- حمایت از حیوانات در جرم‌شناسی حیات وحش

آسیب و جنایتی که انسان‌ها مرتکب می‌شوند فقط بر انسان‌ها تأثیر نمی‌گذارد. تأثیر جرایم زیست‌محیطی علاوه بر انسان‌ها، سایر موجودات را نیز دربر می‌گیرد. با این وجود، جدا از تحقیقات جدید جرم‌شناسی سبز و گونه‌های جانوری که نگاه جرم‌شناختی گسترده‌ای را فراتر از انسان به‌کار می‌گیرد، گرایش جدیدی از جرم‌شناسی به‌وجود آمد، به‌عنوان «جرم‌شناسی حیات وحش» که گامی بیشتر در اصلاح بی‌توجهی جرم‌شناسی نسبت به دنیای غیرانسانی و پیشبرد گفتمان علمی در مورد آسیب‌های حیات وحش بردارد.

«جرم‌شناسی حیات وحش» به بررسی جرایم علیه حیات وحش و آسیب‌های ناشی از آن پرداخته است (Wyatt, 2020: 12). در واقع جرم‌شناسی حیات وحش به‌صورت تخصصی‌تر و جزئی‌تر آسیب‌های قانونی و غیرقانونی، از جمله ورزش‌های خونی^۱، حیات وحش به‌عنوان غذا و سوءاستفاده در باغ وحش‌ها را بررسی می‌کند. به‌عبارتی جرم‌شناسی حیات وحش یک برخورد منحصربه‌فرد با حیات وحش به‌عنوان بزه‌دیدگان جرم و در نظر گرفتن حقوق آن‌ها به‌عنوان موجودات ذی‌شعور فراهم می‌کند که افق‌های جدیدی را برای مفهوم جرم‌شناسی حیات وحش ترسیم کرده است.

هم جرم و هم آسیب در زمره مطالعات جرم‌شناسی حیات وحش در نظر گرفته می‌شود و از این‌رو جرم‌شناسی حیات وحش نه‌تنها در جرم‌شناسی سبز، بلکه در گفتمان آسیب (صدمه) اجتماعی‌شناسی نیز می‌تواند قرار بگیرد (Pemberton, 2016: 91). بنابراین جرم‌شناسی حیات وحش، در مطالعات خود، جامع‌تر به مسأله حیوانات نسبت به جرم‌شناسی و جرم‌شناسی گونه‌های جانوری (Nurse, 2013: 46) نگاه می‌کند و فراتر از حقوق حیوانات در راستای یک سیاره سالم‌تر گام برداشته و پدیده حیات وحش را به‌منزله بزه‌دیده تعریف می‌کند.

^۱ - Blood Sports

ورزش خونی یا خون‌بازی، دسته‌ای از ورزش یا سرگرمی است که با خونریزی همراه است. نمونه‌های معمول اولی شامل ورزش‌های رزمی حیوانات مانند جنگ خروس و سگ‌بازی و برخی از اشکال شکار و ماهی‌گیری است.

«نگاه ابزارگونه به حیوانات تنها به انجام آزمایشات با استفاده از آنان ختم نمی‌شود، بلکه گرایش به تجارت و نگهداری گونه‌های حیوانی نادر و کمیاب به‌عنوان کالای لوکس نیز موجب آسیب جدی بر حیات گونه‌های حیوانی شده است، به‌طور کلی تجارت گونه‌های وحشی و مشتقات حاصله از این گونه‌ها سالیانه میلیاردها دلار را به خود اختصاص می‌دهد که این امر سبب به‌خطرانداختن جان میلیون‌ها گونه حیوانی در جهان می‌شود» (خانعلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۸-۱۱۶).

امروزه قوانین متعددی درجهت حمایت از گونه‌های جانوری در عرصه بین‌المللی و ملی به تصویب رسیده است و این مهم را به ما خاطرنشان می‌نماید که در شرایط کنونی گونه‌های جانوری و حفاظت از آن‌ها به‌عنوان ارزشی بنیادین تلقی می‌شود، اما ضرر به حیات وحش نیز جزء ضررهای زیستی محسوب و باید به آن توجه شود. بنابراین داشتن یک سیاره سالم، نیازمند این است که توجه مضاعفی به مقوله پیشگیری از ضرر زیست‌محیطی شود، چراکه جرایم زیست‌محیطی، گاهی ضررهای غیرقابل جبرانی را به محیط زیست وارد می‌نمایند و نمی‌توان صحبت از اعاده و احیا و یا ترمیم محیط زیست نمود، مثلاً به سختی می‌توان نسبت به احیای مرجان‌های دریایی اقدام نمود (میرکمالی و حاجی‌وند، ۱۳۹۶: ۶۵).

آموزه‌های جرم‌شناسی حیات وحش عمدتاً با دو مؤلفه مهم سروکار دارد: ۱- کالایی‌سازی و بهره‌کشی؛ ۲- دیگری‌سازی. مفهوم کالایی‌سازی و بهره‌کشی در جرم‌شناسی حیات وحش به این مضمون است که حیوانات وحشی دیگر وحشی نیستند، بلکه اسیر هستند و این تغییر در محیط آنان خود باعث آسیب‌های اساسی می‌شود، به‌طور مثال از حیات وحش در سرگرمی‌ها و نمایشگاه‌های عمومی گوناگونی استفاده می‌شود که ملاحظات جرم‌شناختی درباره بهره‌کشی و آسیب‌های مربوط به آن را برمی‌انگیزد. همچنین حیات وحش را به‌عنوان دارایی، غذا و استفاده‌های تفریحی و ورزشی استفاده می‌کنند (کرامتی معز، ۱۴۰۳: ۱۰۳).

گونه‌گرایی و «دیگری‌سازی» در جرم‌شناسی حیات وحش به این معنا است که انسان‌ها خود را مرکز ثقل قرار می‌دهند، به

همچنین گرمایش جهانی افزایش دمای زمین را در یک بازه زمانی نسبتاً کوتاه و تغییرات اقلیمی اثرات متقابل این افزایش دما را بیان می‌کند، از تغییر سطح دریاها و تغییر جریان اقیانوس‌ها تا تأثیرات تغییر دما بر محیط‌های محلی که به روش‌های مختلف بر گیاهان و جانوران بومی تأثیر می‌گذارد، به‌عنوان مثال، مرگ مرجان به دلیل افزایش دما در آب دریا یا تغییر الگوی اقلیمی در راستای مهاجرت پرندگان، از جمله مصادیق جرم‌شناسی تغییر اقلیمی می‌توان نام برد. با این اوصاف دولت‌ها از طریق رفتارهای غیرقانونی و قانونی، وضعیت اقلیمی را دستکاری و تخریب می‌کنند و آن را به خطر می‌اندازند.

با این وصف تغییر اقلیم به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی معاصر، تأثیرات گسترده‌ای بر گونه‌های جانوری دارد. جرم‌شناسی تغییر اقلیم به مطالعه و تحلیل جرایم مرتبط با تغییرات اقلیمی و تأثیرات آن بر حیات وحش می‌پردازد. حمایت از حیوانات در این حوزه، نیازمند اقدامات قانونی، اجرایی، آموزشی و بین‌المللی است تا از تأثیرات منفی تغییر اقلیم بر گونه‌های جانوری پیشگیری شود.

۲-۵- حمایت از حیوانات در پارادیم نوظهور آسیب اجتماعی شناسی (زمیولوژی)

«جرم‌شناسی‌های انتقادی نوین نظریه‌ها، دستاوردها، دورنماها و یافته‌های «جرم‌شناسی جریان اصلی» را نادیده انگاشتند و به نوعی این اقدام‌ها و تدابیری که توسط جرم‌شناسان وقت تحقیقی، مطرح شده بود را فاقد کارایی و اثر دانست و در نهایت به مردود دانستن آن‌ها اعتقاد داشت؛ در آغاز دوره نوین، یعنی در آغاز هزاره سوم، رویکرد و دیدگاهی مطرح شد که نسبت به جرم‌شناسی‌های انتقادی پیشین، روزآمد و تازه‌تر به‌نظر می‌رسد، اما نگرشی انتقادی‌تر و افراطی‌گراتر را پیشه ساخته است» (کرامتی معز، ۱۴۰۳: ۱۲۲).

از این‌رو رفته‌رفته سخن از آن به میان آمد که بسیاری از رفتارهای جرم‌انگاری نشده، منشأ ایجاد آسیب‌هایی شدید می‌باشد که هر یک می‌تواند بر وجوه مختلف ارزش‌ها، حقوق و نیز زندگی، تأثیرات نامطلوب گذارد، اما با این حال حقوق کیفری از نظر داشت بر آن‌ها و مرتکبین این رفتارها غافل

این صورت که انسان مهم‌ترین گونه است و همه دیگر گونه‌ها از او پایین‌تر هستند. با این اوصاف جرم‌شناسی حیات وحش از طریق مطالعات جرم‌شناسانه تلاش می‌کند که کالایی‌سازی را به‌صورت مالکیت و بهره‌کشی در صنایع حیات وحش انجام می‌شود، پایان دهد و به حیات وحش جایگاه و حقوق اعطا و با گونه‌گرایی مبارزه کند، به‌طوری‌که همه گونه‌های قابل رؤیت فارغ از بی‌عدالتی باشند.

بنابراین جرم‌شناسی حیات وحش به مطالعه و تحلیل جرایم مرتبط با حیوانات وحشی و زیستگاه‌های طبیعی آن‌ها می‌پردازد. این حوزه از جرم‌شناسی بر پیشگیری، شناسایی و مقابله با جرایم علیه حیات وحش تمرکز دارد و تلاش می‌کند تا از انقراض گونه‌های جانوری پیشگیری کند.

۲-۴- حمایت از حیوانات در جرم‌شناسی تغییر اقلیم

«جرم‌شناسی تغییر اقلیم» از نظر وسعت، فراملی است و تفکرات پیشرفته و تحولات نظری در جرم‌شناسی را منعکس می‌کند، راب وایت جزء اولین اشخاصی است که با در نظر گرفتن غیرانسان‌ها در کنار انسان‌ها، تغییرات آب و هوایی را نیز به‌عنوان یک موضوع عدالت زیست‌محیطی برجسته می‌کند (White, 2018: 57).

چندین نوع آلودگی وجود دارند که می‌توانند بر حیات یا کیفیت حیات گونه‌های حیوانی تأثیرات منفی بگذارند، از جمله آلودگی‌های هوا، صوتی، نوری، صنعتی و شیمیایی، حرارتی و همچنین آلودگی‌های ناشی از فناوری هسته‌ای که منجر به تغییر در اکوسیستم و بهداشت محیط‌های زندگی گونه‌های حیوانی می‌شوند. آلودگی‌های مذکور باعث برهم‌خوردن نظم زندگی گونه‌های حیوانی و گاه مهاجرت اجباری آن‌ها از زیستگاه طبیعی خود و انزوا و کاهش جمعیت‌های حیات وحش شده و در این زمینه، آلودگی صوتی بر قدرت شنوایی حیوانات تأثیرات سوئی داشته و به‌علاوه، موجب افزایش ضربان قلب و تنفس و عکس‌العمل‌های تند عصبی و تغییرات رفتاری مانند کاهش تولید مثل و کاهش نسل و فراموش کردن محل زیستگاه می‌شود (خانعلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۷-۱۱۶).

ناشی از تضاد میان منافع و مصالح طبقه صاحب سرمایه و قدرت و اقلیت قدرتمند سیاسی و اقتصادی از یک سو و منافع اکثریت اعضای جامعه از سوی دیگر است» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۱۰۳۰).

«بررسی جرایم ارتكابی و دسته‌های بزهکاری علیه گونه‌های حیوانی، در سال‌های اخیر با ورود آسیب اجتماعی‌شناسی زمینه‌های آسیب حیوانات در نتیجه اقدامات بشری اعم از کیفری و غیرکیفری به‌طور گسترده در حال مطالعه دارد و عواملی چون آلودگی هوا، آلودگی نوری، آلودگی صوتی و ... بر زندگی حیوانات و محیط زیست آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است» (خانعلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۶).

آنچه مد نظر آسیب اجتماعی‌شناسان است، بررسی آسیب‌هایی است که گستره خسارات آن شامل تمامی حیوانات و نسل‌های آینده آنان است، لذا از مطالعه جرایم محدود در کتاب‌های قوانین کیفری فراتر رفته و با نگاهی جامع نوک پیکان اعتراضی خود را متوجه آسیب‌های کلان و مجرمین واقعی می‌کند. از این رو شمار زیادی از آسیب‌ها و لطمات به گونه‌های حیوانی به‌عنوان صدمات بزهکارانه به‌شمار نخواهد آمد و از آن‌ها با عناوین اتفاقات، اشتباهات در ارزیابی یا صدمات جانبی یاد می‌شود.

بنابراین باتوجه به آموزه‌های مکتب آسیب اجتماعی‌شناسی در حوزه جرایم علیه گونه‌های حیوانی باید با تردید به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها نگرست، قانون‌گذار ایران نیز در تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر داشته: «مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود»، از این رو عدم مسؤلیت کیفری این اشخاص حقوقی به‌معنای مقبول و مطبوع دانستن اقدامات آن‌ها در همه زمینه‌ها به‌طور ویژه فعالیت‌های علیه گونه‌های حیوانی است، از این جهت برآنیم که تعاریف حقوقی ارائه‌شده جرم، نمی‌تواند و نباید معیاری برای تبیین جرایم دولتی باشند و توسعه معیارها و شاخص‌های تعریف جرم و عبور از تعاریف رسمی و توجه به مسائل مهم حقوق حیوانات و عدالت زیست‌محیطی در این زمینه ضروری است.

بوده است. این دیدگاه که انگاره جرم را مفهومی مضیق و محدود تلقی می‌نمود و مطالعه مفهوم آسیب را به‌جای جرم مطرح ساخته بود، درواقع ادامه مسیر «جرم‌شناسی‌های انتقادی معاصر» مبتنی بر آموزه‌های «آسیب اجتماعی محور (زمیولوژی)» است و بیان می‌دارد به‌واسطه محدودبودن عنوان جرم، تبعاً و طبیعتاً «جرم‌شناسی جریان اصلی» نیز نمی‌تواند به‌نحو شایسته و بایسته به مطالعه آسیب‌های اجتماعی بپردازد و در افسانه و افسون جرم، خود نیز مقهور و مغلوب می‌گردد. شاخصه بارز این دیدگاه، خروج از رویکرد قانونی به انگاره جرم و خسارت و توجه به مفاهیمی همچون آسیب در بستری فراتر از قوانین موضوعه می‌باشد.

جایگزینی مفهوم آسیب با جرم می‌تواند پیامدهای بسیاری داشته باشد، از جمله آنکه امکان ارائه تصویر درستی از واقعیت‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد؛ همچنین در نظر داشتن آسیب‌های گسترده منجر به تخصیص مسؤلیت برای گروه‌های بیشتری از افراد و نهادها خواهد شد. همین مسأله به نوبه خود می‌تواند ایجادکننده چالش برای نهادهای قدرتمند در جامعه، از جمله دولت‌ها باشد و اقدامات زیان‌بار آن‌ها را قابل تعقیب و رسیدگی بداند. علاوه بر این که رویکرد آسیب اجتماعی‌شناسی دایره محدود ضمانت اجرای کیفری را گسترش داده و بیش از آنکه بر کیفرگذاری به‌عنوان واکنش به جرم تمرکز داشته باشد، متوجه پاسخ به آسیب است، پاسخ‌های کیفری و غیرکیفری در پیش‌گرفتن رویکرد آسیب اجتماعی‌شناسی درباره بزه‌دیدگان نیز دارای پیامد است. از منظر این رویکرد نه تنها بزه‌دیدگان دارای اهمیت هستند، بلکه لازم است فراتر از بزه‌دیدگان به قربانیان هرگونه صدمه اجتماعی نیز توجه داشت، در نتیجه لازم است «قربانی‌شناسی» جایگزین «بزه‌دیده‌شناسی» گردد (غلامی، ۱۳۹۹: ۶۹).

به‌عبارتی «از نظر آسیب اجتماعی‌شناسان نیز جرم مفهومی است که براساس معیارها و قضاوت‌های حاکمیت ایجاد می‌شود و در زمان و مکان تغییر می‌کند، این گروه با تأکید بر آسیب‌های جسمانی، اقتصادی، روانی و فرهنگی و مطالعه فقر، نابرابری و بی‌عدالتی‌های اجتماعی بر این باورند که جرم

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، با بررسی حمایت از گونه‌های حیوانی در پرتو آموزه‌های قرآنی و جرم‌شناسی‌های انتقادی نوین، به نقاط مشترک و اصول کلیدی پرداخته‌ایم که می‌تواند به ایجاد یک رویکرد جامع و انسانی برای حفاظت از حیوانات کمک کنند.

آیات قرآنی به روشنی بر اهمیت حفظ و حمایت از حیوانات تأکید دارند. قرآن کریم با بیان داستان‌های پیامبران و تأکید بر مسؤولیت انسان در قبال سایر موجودات، اصول اخلاقی و دینی قوی را برای حفاظت از حیوانات فراهم می‌کند، از جمله آیه ۴۰ سوره هود به حفظ گونه‌های حیوانی و بقای آنان، آیه ۶۶ سوره نحل به گونه‌های حیوانی به‌عنوان نشانه‌های خداوند، آیه ۳۸ سوره انعام به اطلاق واژه «امت» به حیوانات و مقصدی مشترک برای زندگی و همسان‌انگاری حیوان و انسان، آیات ۵-۶ سوره نحل، آیه ۵۶ سوره اعراف و آیه ۲۰۵ سوره بقره به نهی از ظلم و ستم به حیوانات و منع شکار بدون هدف و بی‌رویه آنان تأکید دارند و نشان‌دهنده احترام و مراقبت لازم نسبت به حیوانات است. این آموزه‌ها نه تنها به حفظ گونه‌های حیوانی تأکید دارند، بلکه به انسان‌ها یادآور می‌شوند که رفتار مسؤولانه و دلسوزانه با حیوانات بخشی از وظایف اخلاقی و دینی آن‌هاست.

دیدگاه‌های جرم‌شناسی انتقادی نوین، از قبیل جرم‌شناسی سبز و جرم‌شناسی فرهنگی سبز، جرم‌شناسی گونه‌های جانوری، جرم‌شناسی حیات وحش، جرم‌شناسی تغییر اقلیم و آسیب اجتماعی‌شناسی (زمبولوژی) با نقد آموزه‌های جرم‌شناسی جریان اصلی، رفتارهای مخرب و بی‌رحمانه انسان‌ها و دولت‌ها نسبت به گونه‌های حیوانی را به چالش می‌کشند. این دیدگاه‌ها بر ضرورت تغییر الگوهای رفتاری و تدوین قوانین محکم برای حفاظت از حیوانات تأکید دارند و رفتارهای زیان‌بار علیه حیوانات را گرچه جرم‌انگاری نشده‌اند، مورد بررسی قرار داده و لذا از مطالعه جرایم محدود در قوانین کیفری فراتر رفته و با نگاهی جامع نوک پیکان اعتراضی خود را متوجه آسیب‌های کلان و مجرمین واقعی می‌کند. از این‌رو شمار زیادی از آسیب‌ها و لطمات به گونه‌های حیوانی

به‌عنوان صدمات بزهکارانه به‌شمار نیامده را مورد نقد و چالش قرار می‌دهند.

تلفیق آموزه‌های قرآنی با جرم‌شناسی‌های انتقادی نوین، یک چهارچوب جامع و منسجم برای حمایت از گونه‌های حیوانی ایجاد می‌کند. آموزه‌های قرآنی، مبانی اخلاقی و دینی قوی برای احترام به حقوق حیوانات فراهم می‌آورند، درحالی‌که جرم‌شناسی‌های انتقادی، راهکارهای کاربردی و قانونی برای مقابله با جرایم زیست‌محیطی و حفاظت از حیوانات ارائه می‌دهند.

با ترکیب آموزه‌های قرآنی و دیدگاه‌های جرم‌شناسی انتقادی نوین، می‌توان به یک رویکرد جامع و متعادل برای حمایت از حیوانات دست یافت. این رویکرد می‌تواند به ترویج یک فرهنگ حفاظت از حیوانات منجر شود که در آن احترام به حقوق حیوانات و حفاظت از زیست‌بوم‌ها به‌عنوان وظایف مشترک انسانی و دینی مورد تأکید قرار گیرد. چنین رویکردی می‌تواند به حفظ تنوع زیستی کمک کند و ارزش‌های اخلاقی و دینی را به‌طور کامل رعایت کند، در نتیجه باتوجه به آموزه‌های قرآنی و اصول جرم‌شناسی انتقادی، می‌توان سیاست‌ها و قوانین جامعی تدوین کرد که هم از نظر اخلاقی و هم از نظر قانونی به حفاظت مؤثر از گونه‌های حیوانی بپردازند.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: به‌صورت برابر بوده است.

تشکر و قدردانی: ابراز نشده است.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- قرآن کریم.

- ابطحی، شراره (۱۴۰۰). *حفاظت از گونه‌های زیستی در آموزه‌های جرم‌شناسی انتقادی گونه‌های حیوانی*. چاپ اول، تهران: انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶). *مفاتیح الحیاه*. چاپ دویست و دوازدهم، قم: نشر اسراء.

- خانعلی‌پور، سکینه؛ آقابابایی، حسین و انصاری، اسماعیل (۱۳۹۵). «حقوق حیوانات در سنجه جرم‌شناسی انتقادی گونه‌های حیوانی». *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۲(۱۴): ۱۰۵-۱۲۹.

- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۷). *درآمدی بر جرم‌شناسی*. چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.

- سینگر، پیتر (۱۴۰۲). *آزادی حیوانات*. ترجمه بهنام خداپناه، چاپ چهارم، تهران: انتشارات ققنوس.

- غلامی، حسین (۱۳۹۹). *درآمدی بر آسیب اجتماعی شناسی*. چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا.

- کرامتی معز، هادی (۱۴۰۳). *جرم‌شناسی (طرح مباحث نوین در دانش جرم‌شناسی)*. چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- کوپ فان، اسکار (۱۳۹۹). *محاکمه خوک*. ترجمه ابوالفضل الله دادی، چاپ دوم، تهران: فرهنگ نشر نو/ آسیم.

- محسنی دهکلانی، محمد و رضائزاد، علی (۱۳۹۷). «تحلیل پدیده حیوان آزاری در فقه امامیه و حقوق ایران». *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۲۱(۸۳): ۱۱۳-۱۳۶.

- میرکمالی، علیرضا و حاجی‌وند، امین (۱۳۹۶). «تحلیل پیشگیری از جرایم زیست محیطی در پرتو ستورالعمل‌های سازمان ملل متحد و اصل اخلاقی پیشگیری از ضرر». *مجله اخلاق زیستی*، ۷(۲۶): ۶۲-۷۵.

- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۹۰). «از جرم‌شناسی تا آسیب اجتماعی‌شناسی (مجموعه مقالات یادنامه شادروان دکتر نوربها)». *ضمیمه مجله تحقیقات حقوقی*، ۵(۵۶): ۱۰۱۵-۱۰۳۲.

- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۹۰). *جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم (دییاجه در دانشنامه جرم‌شناسی علی‌حسین نجفی ابرندآبادی و حمید هاشم‌بیگی)*. چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.

- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۹۸). *تحولات جرم‌شناسی بزهرکاری یقه سفیدها (دییاجه‌ای در بزهرکاری یقه‌سرخ‌ها نوشته شهرداد دارابی)*. چاپ اول، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان.

- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۹۸). *علوم جنایی در رویارویی با رویدادهای سیاسی (درآمدی بر تحولات حقوق کیفری و جرم‌شناسی در پرتو انقلاب مارکسیستی - لنینیستی روسیه - دایرالمعارف علوم جنایی مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی - کتاب چهارم زیرنظر دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی)*. چاپ اول، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان.

- نظری توکلی، سعید (۱۳۸۸). *حیوانات - قوانین حمایتی و حدود بهره‌وری در اسلام*. چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.

- وایت، راب (۱۳۹۵). *جرایم زیست محیطی فراملی به سوی جرم‌شناسی جهان بوم*. ترجمه حمیدرضا دانش ناری، چاپ دوم، تهران: بنیاد حقوق میزان.

ب. منابع انگلیسی

- Beirne, P (1995). "The Use and Abuse of Animals in Criminology; A Brief History and Current Review". *Journal of Social Justice Issues in Critical Criminology*, 22 (1): 5-31.

- Beirne, P (2002). "Criminology And Animal Studies; A Sociological View". *Journal of Society & Animals*, 37 (1): 117-148.

- Brisman, A & South, N (2013). "A Green-Cultural Criminology An Exploratory Outline-Crime- Media- Culture". *An International Journal*, 9 (2): 115-135.

- Nurse, A (2013). *Animal Harm Perspectives on Why People Kill and Harm Animals*. Farnham-UK: Publisher Ashgate.
- Nurse, A (2016). *An Introduction to Green Criminology and Environmental Justice*. London: SAGE Publications.
- Pemberton, S (2016). *Harmful Societies Understanding Social Harm Studies in Social Harm Series*. Bristol: Policy Press.
- White, R (2018). *Climate Change Criminology (New Horizons in Criminology)*.
- Wyatt, T (2012). *Green Criminology & Wildlife Trafficking The Illegal Fur And Falcon Trades In Russia Far East*. Saarbrücken: LAP Lambert Academic Publishing.

